

دکتر دانیل کی. دارکو، انجیل لوقا، جلسه ۱۵، پیروی از عیسی، وظایف و امتیازات لوقا ۹:۵۱-۱۰:۲۴

دن دارکو و تد هیلدبرانت © 2024

این سخنرانی دکتر دانیل کی. دارکو در مورد انجیل لوقا است. این جلسه ۱۵، پیروی از عیسی، وظایف و امتیازات، لوقا ۹:۵۱-۱۰:۲۴ است.

به مجموعه سخنرانی‌های الکترونیکی کتاب مقدس در مورد انجیل لوقا خوش آمدید.

ما توانسته‌ایم در این انجیل به چند نکته پردازیم و به خدمت عیسی در جلیل از روایت دوران نوزادی نگاه انداخته‌ایم. در این مرحله، گام بعدی را برمی‌داریم تا بررسی کنیم که چگونه عیسی از جلیل سفر می‌کند و در طول مسیر، طبق روایت لوقا، خدمات مختلفی را انجام می‌دهد. این سفر او را به اورشلیم می‌رساند و روایت‌های انجیل به اورشلیم ختم می‌شود، جایی که او دستگیر، مصلوب و دفن می‌شود.

بنابراین اکنون، خدمت در راه اورشلیم است. ما در این سخنرانی یک ساعته، تمرکز خود را بر بخش آخر فصل ۹ از آیه ۵۱ آغاز خواهیم کرد و سپس نگاهی به برخی از آیات فصل ۱۰ خواهیم انداخت. ابتدا، اجازه دهید توجه شما را به چند نکته در این گذار جلب کنم.

گسست از خدمت عیسی به جلیل، چیزی است که برخی از محققان سعی می‌کنند زودتر، از آیه ۱۰، به آن پردازند و سعی می‌کنند از خود پرسند که آیا باید بتوانیم به برخی از مثل‌ها نگاه کنیم و آنها را در مکان‌های خاصی قرار دهیم یا خیر. با این حال، من تعداد زیادی از محققان و خودم را می‌بینم؛ وقتی متن را با دقت بررسی می‌کنم، فکر می‌کنم که این گسست در جای درستی بوده است، بنابراین به جای آن، روایت‌های سفر یا گزارش‌ها را از ۵۱ فصل ۹ شروع می‌کنم. رفتن عیسی به اورشلیم و روش لوقا در دنبال کردن جغرافیا بسیار مهم می‌شود زیرا عیسی از یهودیه آمد و سپس بعداً وقتی به جلیل آمد، زمان بیشتری را در جلیل گذراند و به اورشلیم رفت و بعداً خدمت در اورشلیم با کلیسا آغاز شد و در اعمال رسولان، کلیسا از آنجا به سایر نقاط جهان گسترش خواهد یافت.

جلسه‌ای که ما در حال بررسی آن هستیم، با نشانه‌های واضحی از سفر ارائه شده است. به عنوان مثال، وقتی به فصل ۵، آیات ۵۱ تا ۵۵ نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که نشانه روشنی از وقوع یک سفر وجود دارد. و سپس به فصل ۱۰، آیه ۱، آیه ۳۸، فصل ۱۱، آیه ۵۳، فصل ۱۳، آیات ۲۲ و ۳۳، فصل ۱۷، آیه ۱۱، فصل ۱۸ و به همین ترتیب تا فصل ۱۹، آیه ۲۷، ویژگی‌ها و نشانه‌هایی را می‌بینید که نشان می‌دهد این سفری ۱۸ است که به اورشلیم منتهی می‌شود.

لوقا در طول این روایت‌ها تأکید می‌کند که مقصد یا هدف نهایی عیسی رسیدن به اورشلیم است، جایی که مأموریت مسیحایی به این کمال یعنی دستگیری و مصلوب شدن خواهد رسید، که نکات کلیدی است که او به شاگردان گفته بود. اکنون به سرعت به جلسه‌ای که پوشش خواهیم داد می‌پردازیم، که من آن را «پیروی از عیسی، وظایف و امتیازات» می‌نامم. خواهیم دید که عیسی سعی می‌کند از برخی روستاهای سامری عبور کند و چگونه برخی از این روستاها او را رد خواهند کرد زیرا می‌دانند که او به اورشلیم چشم دوخته است، و به عنوان سامری، این به خودی خود خبر خوبی نیست زیرا آنها این ایده را دوست ندارند.

خواهیم دید که عیسی درباره شاگردی و آمادگی پیروانش برای شاگردی صحبت می‌کند، و پس از آن روایتی را خواهیم دید که فقط لوقا ارائه می‌دهد و در آن عیسی به جای ۱۲ نفر، ۷۰ یا ۷۲ نفر را می‌فرستد، بسته به نسخه خطی که متن شما به آن وابسته است، تا به خدمت بروند و گزارشی ارائه دهند. در پایان این جلسه خاص، بازگشت مبلغان مذهبی، گزارش مبلغان مذهبی و واکنش بعدی عیسی به آنچه که برای مبلغان مذهبی اتفاق می‌افتد را خواهیم دید. سریعاً، بیایید به روستای سامری و رد خدمت عیسی بپردازیم.

من از آیات ۵۱ تا ۵۶ خواندم. برای آماده شدن برای او. روستای سامری عیسی را رد می‌کند.

ظاهراً آنها از اتفاقاتی که در جلیل می‌افتد، شنیده‌اند. آنها در مورد رسالت عیسی شنیده‌اند که چگونه عیسی افرادی را فرستاده تا زمینه را برای او فراهم کنند تا بتواند به راحتی به آنجا برود. با این اوصاف، باید روشن کنم که سامره برای یک یهودی که از آنجا عبور می‌کند، چندان مناسب نیست.

یهودیان معمولاً سامری‌ها را دوست ندارند، زیرا آنها در تبعید آشوری خون مختلطی داشتند. اعتقاد بر این است که برخی از یهودیان جا ماندند. آنها با هم ازدواج کردند و میراث مختلطی داشتند و در حالی که بقیه عبری‌ها یا یهودیان در تبعید بودند، در آن سرزمین ساکن شدند. در نتیجه، آنها یک گروه، یک جامعه یا یک اجتماع ایجاد می‌کنند که بعداً از آنها به عنوان سامری‌ها یاد خواهیم کرد که خون مختلطی خواهند داشت اما باورهای مذهبی آنها نیز تحریف شده یا اگر دوست دارید، نسخه‌ای تحریف شده از چیزی است که یهودیان در یهودیت معبد دوم به عنوان یهودیت خالص می‌پنداشتند.

برای مثال، سامری‌ها به اهمیت کوه‌هایی مانند جرزیم به عنوان مکانی بسیار مهم نگاه می‌کنند که یهودیان از آنجا به کوه، شهر داوود، اورشلیم، جایی که معبد و مرکز عبادت در آن قرار دارد، نگاه می‌کنند. بنابراین، اگر دوست دارید، در مورد این خصومت، و کد نوشته شده تفاوت بین یهودیان و سامری‌ها فکر کنید. در اینجا در قرن اول، در یهودیت معبد دوم، عیسی، یک یهودی با تمام شاگردانش که یهودی هستند، به جای مسیر معمول عبور از شرق اردن، ترک قلمرو سامری و سپس رفتن به تمام مسیر و ورود به یهودیه از طریق عبور از اردن به سمت اریحا و جاهای دیگر، به اورشلیم سفر خواهند کرد.

حالا، اینجا آنها تصمیم می‌گیرند از سامره عبور کنند، و به همین دلیل است که ما این واکنش را می‌بینیم. سامری‌ها می‌گویند، اینجا چه خبر است، و بعد بدترین خبر را می‌شنوند. آنها می‌شنوند که عیسی در واقع به سمت اورشلیم چشم دوخته است.

به عبارت دیگر، عیسی اورشلیم را مرکز عبادت، مرکز زندگی مذهبی یهودیان می‌دانست. سامری‌ها این را قبول ندارند. این به خودی خود خوب نیست.

بنابراین، در نتیجه او را رد می‌کنند. من قبلاً در سخنرانی قبلی در مورد چیزی که من آن را سایه‌های شاگردان می‌نامم، به شما اشاره کردم. می‌بینید که این موضوع دوباره اینجا خود را نشان می‌دهد.

آنها گفتند اوه نه، می‌بینید، آنها ما را رد می‌کنند. استاد، آیا می‌خواهید ما از آسمان آتش بخوانیم تا آنها را بسوزاند؟ منظورم این است که ما می‌توانیم این کار را انجام دهیم، درست است؟ ما قدرت داریم. آنها هیچ سرنخی ندارند.

اما می‌بینی، این من را یاد خودمان می‌اندازد. ما انسان هستیم و حواریون هم مثل ما بودند. گاهی اوقات، آنها ناراحت می‌شوند.

آنها می‌خواهند عبور کنند. آنها می‌خواهند هر کاری که می‌توانند انجام دهند تا مشکلاتی ایجاد کنند. روستای سامری عیسی را رد می‌کند.

سه نکته در اینجا قابل توجه است. اول اینکه، نگرش آنها هیچ اعتقادی به مسیح نداشت. از نظر آنها، آنها عیسی را رد نمی‌کنند، نه به این دلیل که عیسی خود را مسیح یا چیزی شبیه به آن معرفی می‌کند.

اما این حقیقت محض که او چشم به سفر به اورشلیم به عنوان یک مکان مقدس دوخته است، برای آنها مشکل‌ساز است. این موضوع واکنش‌هایی را به دنبال دارد. واکنش این است که شاگردان خواهان انتقام و مجازات هستند.

عیسی انتقام و مجازات نمی‌خواهد. آنها انتقام و مجازات می‌خواهند، باور کنید یا نه، نه لزوماً به دلیل طرد شدن ساده‌ای که با تلاش برای آماده کردن زمینه برای دیداری که دیگران نمی‌پذیرند، تجربه می‌کنند. نه، یک مشکل دیرینه بین یهودیان و سامری‌ها وجود دارد که قبلاً به آن اشاره کردیم.

و از آنجا که همه این دشمنی‌ها در جریان است، یک طرد شدن همه چیز را آشکار می‌کند. آنها دوست دارند بدترین اتفاق برایشان بیفتد. کرادوک، یکی از محققان، در رابطه با این روایت خاص می‌گوید، همانطور که غسل تعمید عیسی با طرد شدن در ناصره همراه بود، اکنون نیز تغییر شکل و رویداد موازی با غسل تعمید با طرد شدن در سامره همراه است.

عیسی قصد داشت خدمت خود را به سامریان برساند. بدیهی است که آنها باید به سرعت به روستای بعدی نقل مکان می‌کردند زیرا این روستای نزدیک که نامی از آن برده نشده است، آنها را نمی‌پذیرد. این موضوع مرا به آیه ۵۷ در روایت می‌رساند.

جایی که عیسی قصد دارد بر ضرورت درک آنچه برای پیروی از او لازم است تأکید کند، زیرا شاگردان در حال حاضر کاری انجام می‌دهند، آنها به سرزمینی بیگانه رفتند. واکنش فوری آنها لزوماً بهترین نیست.

آنها چشم به اورشلیم دوخته اند، جایی که جنبه‌های عظیمی از خدمت آشکار خواهد شد. آنها باید بفهمند: که پیروی از عیسی به چه معناست. لوقا می‌نویسد که وقتی در طول جاده می‌رفتند، شخصی به او گفت: هر جا که بروی، تو را دنبال خواهم کرد.

اما عیسی به او گفت: «روباها لانه دارند و پرندگان هوا لانه، اما پسر انسان جایی برای گذاشتن سر خود ندارد.» به دیگری گفت: «از من پیروی کن.» اما او گفت: «خداوند، بگذار اول بروم و پدرم را دفن کنم.»

«و عیسی به او گفت: بگذار مردگان مردگان خود را دفن کنند. اما تو برو و پادشاهی خدا را اعلام کن.» دیگری گفت: «ای خداوند، من از تو پیروی خواهم کرد، اما اجازه بده اول با اهل خانه‌ام خداحافظی کنم.»

عیسی به او گفت، کسی که دست به شخم زدن ببرد و به عقب نگاه کند، شایسته پادشاهی خدا نیست. در عبارت او که آمادگی برای شاگردی را توضیح می‌دهد، توجه کنید که او دو بار به پادشاهی خدا اشاره می‌کند. سپس، او بخش بسیار مهمی از فرهنگ، یعنی خویشاوندی و روابط خانوادگی را در چگونگی ارزیابی بهای پیروی از عیسی مطرح می‌کند.

اگر اجازه دهید، آن را اعلام می‌کنم، هزینه را حساب کنید. عیسی گفت، اگر می‌خواهید از من پیروی کنید، باید هزینه را حساب کنید. روباه‌ها لانه دارند و پرندگان لانه، اما پسر انسان جایی برای گذاشتن سرش ندارد.

او استدلال می‌کرد که فکر نکنید پیروی از عیسی به شما خانه‌ای آباد می‌دهد که در آن ثبات خواهید یافت و از یک محیط خانوادگی لذت خواهید برد. گذشته از همه اینها، او خدمت خود را به عنوان کسی آغاز کرد که مشکلات مسکن داشت. او در آخوری در میان گوسفندان متولد شد.

او گفت بی‌خانمانی با خدمت او مرتبط است. به عبارت دیگر، خدمت او قرار است یک خدمت سیار باشد. آنها زیاد در سفر خواهند بود.

پسر انسان قرار نیست در یک مکان ساکن شود، زیرا کار پادشاهی که او آغاز کرده است، مستلزم سفرهای زیاد و فعالیت‌های زیادی است. هم شاگردان، هم رسولانی که از او پیروی می‌کنند و هم کسانی که با آنها صحبت می‌کند و در این روایت خاص نامشان ذکر نشده است، متوجه می‌شوند که قرار است یک سفر طولانی تبلیغی بین جلیل و اورشلیم در پیش باشد. و عیسی می‌گوید که این سفر خیلی به خانه نزدیک نخواهد بود.

زیرا حتی برای حواریون، وقتی همه چیز در جلیل اتفاق می‌افتد، نزدیک به خانه است. اگر در کفرناحوم باشند، نزدیک به جایی هستند که پطرس و دیگران بودند. اگر در آن طرف، به سمت ناصره باشند، آنجا جایی است که خود عیسی بزرگ شد.

اما اکنون آنها به جاده می‌رسند و به سرزمین‌های بیگانه می‌روند. او به آنها می‌گوید که پسر انسان جایی برای سر نهادن ندارد. او همچنین در مورد رسالت والای شاگردی او برایشان می‌گوید.

وقتی او گفت، بگذارید مردگان خود را دفن کنند، در واقع می‌گوید، بگذارید کسانی که از نظر روحی مرده‌اند، مشتاق و وسواس داشته باشند که وظیفه پادشاهی خود را که دفن مردگان است، انجام دهند. هر وقت این روایت خاص را به عنوان کسی که به پادشاهی در جهان باستان بسیار علاقه‌مند است می‌خوانم، به آنچه عیسی از شاگردانش خواسته است، فکر می‌کنم. و دوستان، فکر می‌کنم این خیلی زیاد است.

ما در مورد فرهنگی صحبت می‌کنیم که در آن یکی از بالاترین افتخاراتی که به والدین داده می‌شود این است که بتوانند در دوران پیری به آنها کمک کنند و از آنها مراقبت کنند. و سپس، وقتی آنها می‌میرند، برایشان مراسم تدفین شایسته‌ای برگزار می‌شود. این کار نسبتاً غیرمسئولانه است و جامعه آن را شرم‌آور می‌داند و اگر کسی در این فرهنگ والدین خود را، به خصوص والدینی که فوت می‌کنند، به خاک نسپارد، آبروی خود را در جامعه از دست می‌دهد.

با این حال، وقتی کسی گفت، من آماده‌ام از تو پیروی کنم، مشروط بر اینکه به من وقت داده شود تا مردگانی را که مسئول آنها هستم دفن کنم، عیسی گفت، نه، پادشاهی خدا باید بر تعهدات پادشاهی اولویت داشته باشد. عیسی به خودی خود پادشاهی را نفی نمی‌کند، اما او خدمت پادشاهی را بر تعهدات پادشاهی اولویت می‌دهد. می‌توانم تصور کنم که اگر در آن شرایط بودم، انجام آن تعهد برای من چقدر سخت بود.

این امر به ویژه در مورد مرد بودن صادق است و به هر حال، عیسی با انسان صحبت می‌کند؛ این کار آسانی نیست. شما باید مرده خود را دفن کنید. بله، عیسی می‌گوید حتی وقتی مسئولیت‌های زیادی وجود دارد که به جایگاه شما در جامعه و حتی جایگاه شما در خانواده‌تان مربوط می‌شود، به دنبال اولویت دادن به پادشاهی خدا باشید.

اگر به یاد داشته باشید، در متی ۷، بالای کوه، عیسی سعی دارد همین نوع تفکر را منتقل کند، وقتی در پایان کل روایت نگرانی در مورد چیزهایی که گفته است باید در اولویت اول، پادشاهی خدا و عدالت آن را جستجو

کرد، گفت. و همه این موارد اضافه خواهد شد. در اینجا، او همچنین به شاگردی دعوت می‌کند و تأکید می‌کند که باید دوباره پیروی از او را بالاتر از همه چیز در اولویت قرار داد.

بنابراین، گفتم دوست دارم به خانه بروم تا با مردمم خداحافظی کنم. عیسی گفت، نه، نه، نه، نه. آن، ضرب‌المثلی را که همه در محله می‌دانند، می‌شناسی؟ می‌دانی، کسی که دستش را در شخم زدن می‌گذارد، دست از کار نمی‌کشد و به عقب نگاه نمی‌کند.

باید به رفتن ادامه بدی. آگه آماده‌ی دنبال کردن هستی، نباید بگی، اوه، الان می‌بینمت، اما برمی‌گردم. نه، نه.

شما همین الان گفتید که تمرکز و اولویت خود را حفظ کنید. عیسی اولویت را برجسته می‌کند و این را در سطوحی اولویت می‌دهد که برای هر کسی قابل توجه است. همانطور که قبلاً گفتم، همانطور که هاوارد مارشال می‌نویسد، سد مردگان یک وظیفه مذهبی بود که بر همه وظایف دیگر در جامعه یهودی، از جمله حتی مطالعه شریعت، اولویت داشت.

کاهنانی که معمولاً اجازه نداشتند اجساد مردگان را لمس کنند، حتی در مورد بستگان، نمی‌توانستند این کار را انجام دهند. آنها برای انجام وظایف خود باید بروند و این کار را انجام دهند. اما عیسی با زبانی بسیار ساده گفت: بگذارید مردگان، مردگان خود را دفن کنند.

بگذارید کسانی که از نظر روحی مرده‌اند، بروند و مردگان جسمی خود را دفن کنند. وای. این خیلی زیاد است.

و سپس، درست پس از آن، عیسی به اطرافیانش نگاه می‌کند و روایتی را بیان می‌کند که هیچ کس دیگری در انجیل‌های دیگر ثبت نکرده است و او را به ۷۰ یا ۷۲ نفر فرا می‌خواند و اکنون در حالی که هنوز در جاده به سمت اورشلیم است، آنها را به خدمت مأمور می‌کند. بیایید آن روایت را از فصل ۱۰، از آیات ۱ تا ۱۶ بخوانیم. بنابراین، با جدیت از خداوند محصول دعا کنید تا کارگرانی را برای برداشت محصول خود بفرستد.

بروید. اینک من شما را چون بره‌ها در میان گرگ‌ها می‌فرستم. نه کیسه پول، نه کوله‌پشتی، نه کفش، و نه کسی را در راه سلام نکنید. به هر خانه‌ای که وارد می‌شوید، اول بگویید: «سلام بر آن خانه باد».

و اگر فرزندی از اهل صلح در آنجا باشد، سلام شما بر او قرار خواهد گرفت. و اگر نباشد، به خودتان باز خواهد گشت. و در همان خانه بمانید و از آنچه برایشان فراهم می‌کنند بخورید و بنوشید، زیرا کارگر مستحق مزد خود است.

از خانه‌ای به خانه دیگر نروید. هرگاه وارد شهری شدید و شما را پذیرفتند، هر چه پیش رویتان گذاشتند بخورید. قبل از اینکه از این صفحه خارج شوم، می‌خواهم توجه شما را به نکاتی که در متن آمده است، جلب کنم.

متوجه شده‌اید که در آیات ۳ و ۴ عیسی در مورد چیزهایی که نباید با خود بیاورید صحبت می‌کند. در اینجا او به آنچه که در ۱۲ مورد قبلی گفته بود، صندل اضافه می‌کند. او حالا از کیسه پول و کوله‌پشتی می‌گوید که حتی لازم نیست صندل اضافی بیاورید.

اما سپس او در انتهای آیه ۴ نکته دیگری اضافه می‌کند و می‌گوید: «در راه به کسی سلام نکنید.» و من فقط می‌خواهم این را داشته باشید؛ آن را در ذهن خود نگه دارید. او آنها را به منطقه‌ای می‌فرستد که سامره است.

و این منطقه، منطقه‌ی مساعدی نیست. او از آنها می‌خواهد که تمرکز خود را حفظ کنند و در جاده با کسی سلام و احوالپرسی نکنند، زیرا دیگر در جلیل نیستند؛ آنها در قلمرو سامریان هستند. و سپس او به توصیف خود ادامه می‌دهد، هر چه فراهم شود، بخورند و از این قبیل کارها.

او گفت از خانه‌ای به خانه دیگر نروید. همانطور که به شهر می‌روید، اگر پذیرفته شدید، لطفاً بمانید، هر چه پیش رویتان گذاشته می‌شود بخورید و بنوشید. و سپس لوقا ادامه می‌دهد.

بیماران آنجا را شفا دهید و به آنها بگویید، پادشاهی خدا به شما نزدیک شده است. اما هرگاه وارد شهری شدید و شما را نپذیرفتند، به کوچه‌های آن شهر بروید و بگویید، حتی گرد و غبار شهر شما که به پایهای ما چسبیده است، بر شما پاک خواهد شد. با این حال، این را بدانید: پادشاهی خدا نزدیک شده است.

می‌گویم، در آن روز برای سدوم تحمل‌پذیرتر خواهد بود. سپس، برای آن شهر. وای بر تو، ای چریزیم.

وای بر تو ای بیت‌صیدا. زیرا اگر معجزاتی که در شما انجام شد، در صور و صیدون انجام می‌شد، مدت‌ها پیش توبه می‌کردند و در پلاس و خاکستر می‌نشستند. اما در روز داوری، تحمل مجازات برای صور و صیدون آسان‌تر خواهد بود تا برای شما.

و تو ای کفرناحوم، آیا به آسمان سرافراز خواهی شد؟ تو را به جهنم خواهند برد. هر که تو را بشنود، مرا شنیده است. و هر که تو را رد کند، مرا رد کرده است.

و کسی که مرا رد کند، فرستنده مرا رد کرده است. بنابراین اکنون عیسی هفتاد یا هفتاد و دو نفر را می‌فرستد، روایتی که سایر انجیل‌های هم‌نوا آن را ثبت نکرده‌اند. اولین نکته‌ای که باید به آن توجه کرد این است که لوقا در ثبت این روایت منحصر به فرد است.

دوم، پرداختن به مسئله‌ی ۷۰ یا ۷۲ بسیار پیچیده است. آیا ۷۰ وجود دارد یا ۷۲؟ بحث نسخه‌های خطی است. نسخه‌های خطی نسبتاً قابل اعتمادی وجود دارند که از ۷۰ استفاده می‌کنند ۵۰-۵۰.

و نسخه‌های خطی نسبتاً معتبری وجود دارند که عدد ۷۲ را نشان می‌دهند. بنابراین، محققان بین این دو گزینه مردد هستند. بنابراین وقتی در هر ترجمه‌ای که استفاده می‌کنید، به خصوص به زبان انگلیسی، متوجه می‌شوید که برخی از ۷۲ و برخی از ۷۰ استفاده می‌کنند، باید بدانید که برخی نسخه خطی ۷۰ را کمی بالاتر ارزیابی کرده‌اند و ۷۰ را پذیرفته‌اند.

اما توضیحات بیشتری نیز در مورد دور کردن یهودیان وجود دارد که لزوماً معیارهای مالیاتی نیستند. به عبارت دیگر، اعتقاد بر این است که آنچه لوقا در اینجا انجام می‌دهد، به نظر می‌رسد به موسی اشاره دارد. و به نظر می‌رسد لوقا به خدمت موسی اشاره دارد، جایی که او ۷۰ نفر از بزرگان را انتخاب می‌کند، همانطور که در خروج ۲۴ و اعداد ۱۱ می‌بینیم.

به نظر می‌رسد لوقا اینجا به این موضوع اشاره می‌کند. و اگر شما به آن اشاره کنید، پس، پس، مانند خدمت موسی، ۷۰ منطقی است. آیا باید آن را بپذیریم یا نه؟ خب، من رقم گرد را دوست دارم، پس بیایید ۷۰ را در نظر بگیریم.

اما می‌خواهم با شما رک و راست باشم که نسخه‌های خطی که می‌گویند ۷۲ نفر هستند، آنقدرها هم ضعیف نیستند. به همین دلیل است که از نظر نحوه‌ی نگاه به آنچه در این متن می‌گذرد، این موضوع دو جنبه دارد. چهارم، وقتی عیسی آنها را می‌فرستد، آنها را به سرزمینی بیگانه پیش روی خود می‌فرستد، جاهایی که هنوز به آنجا نرفته است.

او آنها را دو به دو می‌فرستد. این می‌تواند در مورد حمایت متقابل از یکدیگر باشد، یا همانطور که در سنت یهودی و سامری وجود دارد، دو یا سه نفر برای شهادت لازم است. بنابراین، ممکن است مهم باشد که وقتی دو به دو می‌روند، به عنوان شاهدان واقعی آنچه از عیسی دیده و شنیده‌اند، بیابند.

یعنی، پادشاهی خدا و خدمت پادشاهی خدا. به طوری که وقتی آنها به کاری که عیسی انجام می‌دهد اشاره می‌کنند، آنچه می‌گویند باورپذیر باشد. شهادت یک نفر در آن محیط فرهنگی، فاقد اعتبار لازم خواهد بود.

برای شهادت دادن به این موضوع به دو یا سه نفر نیاز دارید. من از کار دیگری که لوقا اینجا انجام می‌دهد کنجکاو هستم. لوقا می‌گوید که عیسی با گفتن اینکه محصول فراوان است اما کارگر کم است، به سرعت به این ۷۰ یا ۷۲ نفر روی آورد و به آنها گفت که اولین چیزی که لازم است این نیست که آنها برای انجام خدمت بیرون بروند.

نه. گفت دعا کن. به درگاه آقا دعا کن.

استفاده می‌کنند که در اینجا به عنوان خداوند ترجمه می‌شود. به صاحب kurios برخی ترجمه‌ها از کلمه محصول دعا کنید - کسی که مزرعه برداشت محصول متعلق به اوست.

او ممکن است کارگران بیشتری را استخدام کند. بله، لیست را برای شما ارسال خواهم کرد، اما کار بسیار بزرگ است. برای انجام آن به کارگران بیشتری نیاز است.

برای لوک، مهم است که این مأموریت مهم با دعا آغاز شود. من اغلب به دانشجویان در کلاس هنرهای لوک گفته‌ام که اگر می‌خواهند در هر خدمت مسیحی شرکت کنند و از نقشه لوک پیروی کنند، نمی‌توانند دعا را کنار بگذارند. برای لوک، انجام کار خدا به معنای مشورت با خداست و اطمینان از این است که در مسیر انجام آنچه خدا شما را فرا می‌خواند، هستید.

او گفت، حتی در مورد خود برداشت، این خداست که خداوند و صاحب برداشت است. و کسانی که قرار است فرستاده شوند، قبل از اینکه بشنوند که فرستاده می‌شوند، او می‌گوید، در دعا شرکت کنند و از خداوند برداشت بخواهند که بیشتر بیاورد زیرا برداشت فراوان است. آنچه آماده برداشت است، رسیده و آماده است.

اما کارگران کمی هستند که بتوانند این کار را انجام دهند. یک بار در غنا در مورد این موضوع صحبت کردم در جایی که فصل گوجه فرنگی بود و من رفتم و گوجه فرنگی‌ها را چیدم، چهره حضار را دیدم که با آنها در میان گذاشتم، و اینجا این تشبیه را کردم که بگویم، تصور کنید خدا کیلومترها و کیلومترها و کیلومترها مزرعه گوجه فرنگی دارد و وقتی نگاهتان را به آن می‌اندازید، برخلاف گوجه فرنگی‌هایی که ما اینجا در ایالات متحده می‌خوریم، که وقتی سبز هستند چیده می‌شوند و کسی روی آنها اسپری می‌کند تا برای ما برسند در آنجا در آن بخش از غرب آفریقا، گوجه فرنگی‌ها قبل از برداشت رسیده و قرمز می‌شوند. بنابراین همانطور که به کشاورزان گفتم و به حضار گفتم، گفتم، تصور کنید که با این کیلومترها و کیلومترها

مزرعه، تنها چیزی که می بینید سبز و قرمز، قرمز، سبز و قرمز، قرمز، سبز و قرمز است و می بینید که برداشت فراوان است.

و من پرسیدم، اگر کارگر کافی برای برداشت محصول نداشته باشیم چه اتفاقی می افتد؟ مردی که به نظر می رسید کشاورز گوجه فرنگی باشد، فوراً به من گفت، به آنها نیاز دارید. به کارگر نیاز دارید. گفتم، چه اتفاقی می افتد؟ فکر کردم می خواهد بگوید گوجه فرنگی ها گندیده می شوند. گفت، به کارگر نیاز دارید.

و چیزی که او سعی دارد به من بگوید این است: این رویای کشاورز است. شما برداشت فراوانی دارید. شما نمی توانید اجازه دهید که آن خراب شود.

شما برای برداشت محصول به کارگر نیاز دارید، چون برای گوجه فرنگی، مسئله زمان مطرح است. در اینجا عیسی می گوید، برداشت آماده است. کارگران کم هستند.

قبل از اینکه شروع به برداشت محصول کنید، بپذیرید که نمی توانید به تنهایی این کار را انجام دهید. با خدای برداشت مشورت کنید. برای کارگران بیشتر از او کمک بخواهید.

و بعد من شما را می فرستم. و بعد عیسی آنها را می فرستد. اما همانطور که آنها را می فرستد، از آنها می خواهد که سبک سفر کنند.

او از آنها می خواهد که متواضع باشند. من هم می خواهم پیام آنها را بررسی کنم. او به آنها گفت که پیام هنوز همان است: پادشاهی خدا.

آنها باید پادشاهی را موعظه کنند و بیماران را شفا دهند. آنها به راه افتادند. و ما شخصیت ها، شخصیت های مبلغان مذهبی را می بینیم که آشکار می شوند.

عیسی گفت که وقتی به خانه های مردم می روند، باید رفتار مناسبی داشته باشند. از نظر نحوه پذیرایی، باید هر آنچه میزبان به آنها پیشنهاد می دهد را بپذیرند. اما سپس عیسی به آنها هشدار نیز می دهد.

اگر آنها طرد شوند، باید قوی ترین شکل طرد را نیز نشان دهند. خاک زمین را از پاهای خود بشویند و مردم را از قضاوت در نتیجه طرد شدنی که نشان داده شده است، برحذر دارند.

عیسی در این خدمت بزرگ مشارکت دارد. اما گویی فرستادن آنها کافی نیست. به او یادآوری می شود که این شاگردان احتمالاً با طرد شدن روبرو خواهند شد.

آنها احتمالاً با طرد شدن روبرو خواهند شد، همانطور که در برخی شهرها اتفاق افتاده است. او در ادامه درباره شهرهایی که درگیر برخی از این طرد شدن ها بوده اند صحبت می کند. او با شهرهایی که پیام را رد کرده اند، جنگ را آغاز کرد.

او درباره جنگ صحبت می کند. و می گوید برای کسانی که آن را رد می کنند، بدتر از آنچه در پیدایش درباره سدوم اتفاق افتاد، خواهد بود. به یاد داشته باشید که در اشاره لوقا به سدوم در اینجا، او نمی گوید که گناه سدوم همجنس گرایی است.

در واقع، منظور لوقا در اینجا این است که گناه سدوم، عدم مهمان‌نوازی بود. و به دلیل عدم مهمان‌نوازی، خدا آنها را مجازات کرد. عیسی به این ۷۰ یا ۷۲ نفر می‌گوید که اگر آنها از آنجا بروند، اگر پذیرفته نشوند، کسانی که آنها را رد می‌کنند، احتمالاً با بدتر از سدوم روبرو خواهند شد.

اما جنگ با شهرهای دیگری که شاهد وقایع عظیم بوده‌اند و هنوز ایمان نیاورده‌اند. اعلام داوری برای جرزیم، صور، صیدون و دیگران صادر می‌شود. حتی کفرناحوم نیز سهم خود را دریافت می‌کند.

لوقا در ادامه آیه ۱۷ می‌نویسد: «آن ۷۲ نفر با شادی بازگشتند و گفتند: «خداوند، حتی دیوها هم به نام تو مطیع ما هستند.» توجه کنید که اولین چیزی که می‌خواهند به عیسی بگویند درباره دیوها است. دیوها به «نام تو مطیع ما هستند».

و به ایشان گفت: «من دیدم که شیطان مانند برق از آسمان فرو افتاد. اینک به شما قدرت داده‌ام که بر مارها و عقرب‌ها و بر تمام قدرت دشمن پایمال شوید و هیچ چیز به شما آسیبی نخواهد رساند. با این حال از این شادمان مباشید که ارواح مطیع شما هستند، بلکه شاد باشید که نام‌های شما در آسمان نوشته شده است.»

در همان ساعت، او در روح شادمان شد و گفت: «ای پدر، مالک آسمان و زمین، تو را شکر می‌کنم که این امور را از خردمندان و خردمندان پنهان کردی و به کودکان آشکار ساختی. آری، پدر، زیرا چنین اراده‌ی نیکوی تو بود. همه چیز توسط پدرم به من سپرده شده است و هیچ کس نمی‌داند پسر کیست جز پدر، و هیچ کس نمی‌داند پدر کیست جز پسر، و هیچ کس نمی‌داند که پسر به او آشکار کند.»

سپس، به شاگردان برگشت و به طور خصوصی گفت: «خوشا به حال چشمانی که آنچه شما می‌بینید را می‌بینند، زیرا به شما می‌گویم که بسیاری از پیامبران و پادشاهان آرزو دارند آنچه شما می‌بینید را ببینند. و آن را ندیدند، و آنچه شما می‌شنوید را شنیدند، و آن را نشنیدند.» وقتی مبلغان بازگشتند، حرف‌های جالبی برای گفتن داشتند.

ما سقوط شیطان را دیدیم؛ آنها بسیار پیروزمند بودند. و عیسی گفت، بله، شما سقوط شیطان را دیدید. شما به نام او دیوها را بیرون کردید. عیسی همچنین گفت که سقوط شیطان را دیده است.

در واقع، شادی وجود دارد، عیسی نیز شادی کرد. اما او از خودستایی برحذر می‌دارد. عیسی آنها را به شادی در روح فرا می‌خواند.

قبل از اینکه به صحبت در مورد سقوط شیطان و معنای آن پردازم، از آنچه گرین در مورد این متن می‌گوید خوشم می‌آید. وقتی عیسی از سدوم و داوری کسانی که آنها را رد می‌کنند نام می‌برد، گرین می‌نویسد: گناه سدوم در عهد عتیق و سایر متون یهودی، مانند پیدایش ۱۹، اشعیا ۳، حزقیال ۱۶، ضرب‌المثل بود. برخی از متون تفسیری به فساد جنسی عمومی مرتبط با سدومی‌ها اشاره می‌کنند.

و آنچه در نوشته‌های فیلون نیز می‌بینید، کاملاً از گناه سدوم به عنوان عمل همجنس‌گرایانه یاد می‌کند. با این حال، تفسیر یهودی از پیدایش ۱۹ بیش از هر چیز بر نقض مهمان‌نوازی در سدوم تمرکز دارد. ارتباط با سدومی‌ها در مهمان‌نوازی نیز در متن فعلی مد نظر است.

آنها نماد هر شهری هستند که از پذیرش عیسی، یعنی نمایندگان عیسی، خودداری می‌کند و بنابراین به دلیل امتناع از مهمان‌نوازی فرستادگان خدا، گناهکار شناخته می‌شوند. مهمان‌نوازی در فرهنگ یهود باستان، همانطور که در برخی از فرهنگ‌های امروزی ما نیز اهمیت دارد، امری بسیار بسیار مهم بود.

این کاملاً شبیه فرهنگی نیست که ما در ایالات متحده در حال ضبط آن هستیم، اما من تجربیات بسیار خوبی از مهمان‌نوازی در بوسنی داشتم. به جز مهمان‌نوازی بوسنیایی‌ها، قبل از اینکه هر مکالمه مهمی اتفاق بیفتد، مجبور بودم بنشینم و کاوا ترکی، چای ترکی، آن قهوه غلیظ را بخورم و بنوشم. و باید از دوستان بوسنیایی‌ام که ممکن است این را تماشا کنند، به خاطر معرفی فرهنگ غنی‌شان به من تشکر کنم.

وقتی در آن منطقه زندگی می‌کردم، می‌گفتم اگر در هر جای دیگری از دنیا به دنیا می‌آمدم، در بوسنی به دنیا می‌آمدم. من بوسنی را دوست دارم، و مهمان‌نوازی شما را دوست دارم. و کاوای ترکی، قهوه ترکی که شما همیشه عرضه می‌کنید، ممکن است بخشی از دلیل اعتیاد من به قهوه باشد، اما شما مقصر این موضوع نیستید.

مهمان‌نوازی مهم بود، حداقل در زمانی که من در آن منطقه کار می‌کردم. مهمان‌نوازی در کشور من بسیار بسیار مهم است. در واقع، مردم تمام تلاش خود را می‌کنند تا بهترین خدمات را به مهمانان خود ارائه دهند.

مردمی که تقریباً هیچ ندارند، تنها چیزی را که دارند، برای تهیه غذا برای مهمانانشان از دست می‌دهند. گاهی اوقات وقتی به روستایم می‌روم، خجالت می‌کشم. برخی از افرادی که می‌شناسم، فقیرترین فقرا، می‌آیند و بهترین چیزی را که دارند به من پیشنهاد می‌دهند.

می‌دانم که در ذهن من آنها هیچ چیزی ندارند. من خوشبختم. اما این تابلوی آنهاست که می‌گوید، خوش آمدید، ما از دیدن شما بسیار خوشحالیم.

من این را در برخی از کشورهای آسیایی دیده‌ام، و وقتی در کشورهای خاورمیانه هستم، این موضوع حتی بیشتر صدق می‌کند. برای آمدن به خانه کسی، آنها شما را برای صرف غذا دعوت می‌کنند. شما خانواده را دارید؛ آنها تلاش زیادی می‌کنند.

مهمان‌نوازی چیز بزرگی است. مهمان‌نواز نبودن چیز خیلی خیلی بدی است. عیسی در اینجا می‌گوید وقتی شاگردان بیرون می‌روند و کسی آنها را نمی‌پذیرد، کسانی که آنها را رد می‌کنند، نشان می‌دهند که مهمان‌نوازی نمی‌کنند.

بنابراین، داوری بدتر از داوری سدوم خواهد بود. و تمام نکته گرین در همین راستا است. من می‌خواهم سریعاً به ایده سقوط شیطان پردازم زیرا این روزها توجه زیادی را به خود جلب کرده است.

در آیه ۱۸، لوقا می‌نویسد: «سپس به ایشان گفت: من شیطان را دیدم که مانند برق از آسمان فرو می‌افتاد اینک به شما قدرت داده‌ام که بر مارها و عقرب‌ها و بر تمام نیروهای دشمن پای بکوبید و هیچ چیز به شما آسیبی نخواهد رساند. با این حال، از این شادمان مباشید که ارواح مطیع شما هستند، بلکه شاد باشید که «نام‌های شما در آسمان نوشته شده است».

منظور از «من سقوط شیطان را دیدم» چیست؟ محققان دو سوال در این مورد مطرح کرده‌اند. سوال اول این است که آیا این عبارت به یک رویداد اولیه اشاره دارد یا چیزی که در زندگی و خدمت عیسی اتفاق افتاده است. آیا عیسی به زمانی در عصر اولیه اشاره می‌کرد که شیطان سقوط کرد؟ یا او از رویدادی صحبت می‌کند که قبل یا در طول آن رویداد در خدمت او در حال وقوع بود؟ چرا شیطان اینقدر فعال بود؟ در خدمت عیسی، در زندگی بسیاری، اگر واقعاً شیطان سقوط کرده باشد؟ بنابراین، این سوالات مطرح می‌شوند، اما ما نمی‌توانیم سعی کنیم خارج از زمینه‌ای که لوقا در آن می‌نویسد، به آنها پاسخ دهیم.

لوقا گفت که ۷۲ نفر برگشتند، و به جای اینکه در مورد اینکه چند نفر پیام پادشاهی را شنیدند صحبت کنند، اولین چیز، و تنها چیزی که آنها آماده بودند به عیسی گزارش دهند این بود که، پروردگارا، ما توانستیم دیوها را به نام تو بیرون کنیم، چقدر جالب است؟ و عیسی گفت، بله، من از آن آگاه هستم. من سقوط شیطان را دیدم، در حالی که تو آنجا بودی. بنابراین، می‌توانید این اشاره خاص را به یکی از دو روش یا ترکیبی از هر دو ببینید.

می‌توانید آن را به عنوان یک ایده اسطوره‌ای ببینید که توسط عیسی برای بیان اهمیت جن‌گیری یا اخراج، شیاطین به کار گرفته شده است تا بگوید، بله، وقتی شما شیاطین را بیرون می‌کردید و آنها را بیرون می‌رانید، من شاهد سقوط آنها در طول دوره جن‌گیری شما بودم. یا می‌توانید به احتمال رؤیایی از عیسی در مورد سقوط نهایی شیطان که در آغاز خدمت در حالی که ۷۰ یا ۷۲ نفر در خارج بودند و شیاطین را از مردم بیرون می‌کردند، فکر کنید. در هر صورت، چیزی که هنوز کسی را در یک کشور غربی نگران می‌کند، چیزی است که لوقا می‌خواهد شما آن را در نظر داشته باشید.

اینکه شیطان در زندگی مردم فعال است. همانطور که در تمثیل بذریاش آمده است، شیطان نیز فعال است و سعی می‌کند کار خدا را تضعیف کند. و در اینجا، وقتی آن ۷۰ نفر رفتند، توانستند با شیاطین مقابله کنند و عیسی این را به عنوان، بله، بالاترین قدرت قابل تصور، یعنی شیطان، سقوط کرده است، ارائه داد.

ضمناً، تا جایی که یاد می‌آید، فکر می‌کنم اینجا اولین جایی است که لوک از شیطان استفاده می‌کند، و او در اینجا در بسیاری از جاهای دیگر از شیطان استفاده خواهد کرد. شیطان، به عنوان بالاترین قدرت ناظر بر فعالیت‌های شیطانی، سقوط می‌کند. بنابراین بله، می‌توانید این سوال منطقی را پرسید.

اگر شیطان در حالی که آنها بیرون بودند سقوط کرد، چرا اینقدر فعال است؟ خب، پس این امکان وجود دارد که وقتی پادشاهی خدا فرا برسد، در هر کسی که زندگی می‌کند، در هر موقعیتی، شیطان سنگر خود را از دست بدهد و سلطنت خدا آغاز شود. اما در جایی که پادشاهی خدا پیشرفت نکرده باشد، و قدرت پادشاهی دیده نشده باشد، پیام پادشاهی اعلام و دریافت نشده باشد، و قدرت خدا نشان داده نشده باشد شیطان همچنان سنگر خود را خواهد داشت. بنابراین شیطان فعال است، اما نباید گفت که شیطان در زندگی قوم خدا که به عیسی ایمان آورده و به او توکل کرده‌اند و در پادشاهی خدا شرکت دارند، فعال است.

همانطور که هاوارد مارشال می‌گوید، جن‌گیری نشانه‌ای از شکست شیطان است. بنابراین، شکست آخرالزمانی شیطان در خدمت عیسی و شاگردانش در اینجا دیده می‌شود، زیرا هفتاد نفر بیرون می‌روند و می‌آیند تا از دیدن سقوط شیطان گزارش دهند. باز هم، همانطور که نولان می‌نویسد، در یک رؤیا، او پیروزی قریب‌الوقوع پادشاهی خدا بر حکومت شیطان را دیده و این پیروزی را وظیفه خود دانسته است. این رؤیا در خدمت جن‌گیری، شفا و اعلام پادشاهی خدا توسط او به واقعیت تبدیل می‌شود.

در متن حاضر، همین تصویرسازی از آینده‌ی رؤیای پرده‌زایی شده، در امتداد رسالت عیسی از طریق شاگردانش دیده می‌شود. به عبارت دیگر، جن‌گیری نیز در حال تبدیل شدن به جلوه‌ای از کار پادشاهی است. و اگر اجازه دهید نقل قول دیگری از گرین اضافه کنم که فکر می‌کنم آنچه را که در حال وقوع است روشن و زنده می‌کند، اینکه لوقا عیسی را به عنوان فردی با یک رؤیای نبوی به تصویر می‌کشد که محتوای آن آینده و سقوط نهایی شیطان بود، که احتمالاً تا زمان داوری که در آیات ۱۲ و ۱۴ به آن اشاره می‌کند، برنامه‌ریزی شده است.

چنین دیدگاهی با برخی از متون یهودی معبد دوم همخوان است، اما دیدگاه عیسی در این آزمون مشترک لوقا فراتر از محتوای آن متون می‌رود. سقوط قطعی شیطان در آینده پیش‌بینی می‌شود، اما از طریق مأموریت عیسی و به تبع آن، از طریق رسالت فرستادگان او، یعنی هفتاد نفر، در حال آشکار شدن است. آنها

می‌گویند، به نام تو، ما دیدیم که شیطان یا شیاطین بیرون آمدند، و عیسی گفت، بله، من سقوط شیطان را دیدم.

پادشاهی خدا یکی از دشمنان اصلی، یعنی شیطان، را دارد. و عیسی آمده است تا با این نیروها مقابله کند. او گفت، شاد باشید.

شاد باشید که نام‌هایتان در آسمان نوشته شده است. این می‌تواند یک عبارت استعاری باشد که نشان می‌دهد آنها در پادشاهی خدا گنجانده شده‌اند و همچنین به عنوان هشدار علی‌ه غرور معنوی عمل خواهد کرد. و اطمینان دادن به آنها که رستگاری را در مسیح یافته‌اند، مهمترین چیزی است که آنها در این کار بزرگ شرکت می‌کنند.

ضمناً، ایده نام‌های نوشته شده در آسمان، هم در عهد عتیق و هم در عهد جدید شناخته شده است. این ایده از کتاب حیات یا کتابی که شامل سوابق و نام‌های اعمال نیک است، وجود دارد. در یهودیت، برخی از این موارد را در خروج ۳۲، ۳۲-۳۳، مزمور ۶۹، ۲۸ می‌یابیم.

در رساله پولس، پولس در فیلیپیان ۴، ۳ درباره کتاب حیات صحبت می‌کند. در کتاب عبرانیان، فصل ۱۲ را داریم. در مکاشفه، فصل ۳، آیه ۵، درباره کتاب حیات می‌خوانیم. ایده این است که نام‌ها و اعمال ۲۳ نیک کسانی که کارهای درست انجام می‌دهند، ثبت و بایگانی می‌شود.

عیسی گفت آن هفتاد نفر باید از اینکه چنین جایگاهی دارند، شاد باشند. من از تمثیل‌های شادی و سرور در این روایت خوشم می‌آید، بنابراین سعی می‌کنم الگو را نشان دهم. آن هفتاد و دو نفر با شادی برای نتیجه‌ی خدمت بازمی‌گردند.

عیسی گفت، لطفاً از اینکه نامتان نوشته شده است، شاد باشید. آنجا جایی است که شادی باید قرار گیرد. دلیل اینکه می‌گویند شاد هستند این است که شیاطین تسلیم می‌شوند.

عیسی گفت، نه، این مهم نیست. از این روحیه که نام شما نوشته شده است، شاد باشید. آنها می‌گویند، اوه نه، ما شادی می‌کنیم زیرا این شیاطین تسلیم می‌شوند و آنها تسلیم نام عیسی می‌شوند.

اما عیسی گفت، نه، نه، نه. به این دلیل شادی کنید که نام شما نوشته شده است، و پدر در این فرآیند جلال می‌یابد. و سپس، همانطور که در آیه ۲۱ ادامه می‌دهد، سعی می‌کند درباره چیزی که پنهان و آشکار است صحبت کند.

او گفت که برخی از چیزهای بزرگ از خردمندان و خردمندان پنهان مانده است، اما برای نوزادان آشکار شده است. اوه، اما بگذارید اینجا فقط به شما نشان دهم چه چیزی پنهان و آشکار شده است. وقتی عیسی در مورد نوزاد صحبت می‌کند، در مورد کمترین افراد جامعه صحبت می‌کند، کسانی که چهره‌های ایده‌آلی برای درک هستند.

عیسی به رسم و رسوم جایگاه اجتماعی متوسل می‌شود و می‌گوید که آگاهی جایگاه اجتماعی در پادشاهی خدا کاربردی ندارد. جایگاه پایین جایگاه برتر را اشغال می‌کند. او می‌گوید معیار خرد آشکار می‌شود، نه برای خردمندان، نه برای کسانی که ادعای مقام بالا دارند، زیرا معیار خرد با معیارهای دنیوی، با توجه به آنچه آنها در این خدمت پادشاهی می‌بینند و می‌شنوند، بی‌ربط است.

تسلی نوزادان، زندگی، انتظار و نگرشی است که از شاگردان واقعی عیسی انتظار می‌رود تا به نام او عمل کنند. عیسی می‌گوید، بله، آنها بیرون رفتند، شاهد اتفاقات بزرگ و قدرتمندی بودند، اما او ترجیح می‌دهد شاد باشد. او ترجیح می‌دهد از اینکه نام آنها نوشته شده است، شاد باشد. و این دلیل خوبی برای شادی آنها نیز هست.

دوستان، خدمت پادشاهی درباره ما نیست. خدمت پادشاهی درباره این نیست، و باید بگویم، درباره این نیست که چگونه به کارهایی که انجام داده‌ایم افتخار می‌کنیم. خدمت پادشاهی با فروتنی همراه است، در درک این نکته که افرادی که در آن شرکت می‌کنند و شاگرد عیسی می‌شوند، صرفاً این امتیاز را دارند که فراخوانده شده‌اند تا بخشی از کار بزرگ خدا باشند و هر آنچه در این فرآیند انجام می‌شود، برای جلال خدا مفید است.

اینکه شاگردان یا خادمان در خدمت عیسی چیزی بیش از خدمتگزاران، اگر دوست دارید، بردگان، نیستند و وظیفه و یکی از انتظارات خادم، انجام دستور ارباب است. و وقتی این کار انجام شد، خادم باید خوشحال باشد.

عیسی می‌گوید، در شاگردی واقعی، مردم از مسیر عمل پیروی می‌کنند و به کسی که شایسته‌ی تقدیر است اعتبار می‌بخشند و برای هدف درست ماموریت شادی می‌کنند. در روایت‌هایی که تاکنون دیده‌ایم، وقتی به این روایت‌های سفر نگاه می‌کنیم، دیده‌ایم که عیسی شاگردانی را به جلو می‌فرستد و برخی در برخی روستاها حتی برای آمدن او، آنها را رد می‌کنند. همچنین می‌بینیم که عیسی با برخی افراد روبرو می‌شود و از آنها می‌خواهد که به عنوان شاگرد از او پیروی کنند.

و آنها بهانه آوردند. برخی می‌گویند، به یک دلیل، نمی‌توانند بیایند: آنها باید مردگان خود را دفن کنند، و باید با کسانی که در خانه هستند سلام و خداحافظی کنند. عیسی از آنها خواست که شاگردی را بالاتر از همه چیز قرار دهند.

وقتی عیسی می‌آید تا ۷۰ یا ۷۲ نفر را بفرستد، لوقا سریعاً به ما یادآوری می‌کند که او آنها را دو به دو می‌فرستاد تا جلوتر از او به جاهایی که می‌رفت بروند. اما اگر آنها را متوقف نمی‌کرد، در فرستادن آنها سریع نبود. از آنها بخواهید که دعا کنند تا خداوند محصول، دروگران را برای کمک به برداشت میوه رسیده بیاورد. مثال گوجه فرنگی را که به شما دادم تصور کنید.

و وقتی او آنها را می‌فرستد، و آنها برای آن مأموریت حرکت می‌کنند، به ما گفته شده است که آنها با نتایج ملموسی بیرون آمدند. تنها نگرانی برای عیسی این است که گزارش آنها بسیار یک طرفه بوده است. آنها فقط در مورد اینکه چگونه توانستند شیاطین را به نام او بیرون کنند صحبت می‌کنند.

عیسی این را اصلاح می‌کند. او به آنها دلیل خوبی برای شادی می‌دهد. آنها باید از اینکه نامشان در دفتر حیات، یا اگر دوست دارید در آسمان، نوشته شده است، خوشحال باشند.

عیسی ما را فرا می‌خواند تا پیروی کنیم. او ما را فرا می‌خواند تا نگرش یک کودک را در پیش بگیریم و پیروان وفاداری باشیم. دوستان، عیسی ما را فرا نخواند تا قهرمان باشیم.

او ما را برای انجام کارهای بزرگ فرا نخوانده است. اولاً، او ما را به پیروی فرا می‌خواند. پیروی به معنای پیروی از دستورات عمل‌های اوست.

برای مشورت با خدا. بله، و او ما را به وفاداری فرا می‌خواند. من امیدوارم و دعا می‌کنم که خدا به من و شما کمک کند تا در حالی که به دنبال پیروی از او هستیم، وفادار باشیم.

هم در این تجربه یادگیری و هم در زندگی واقعی. متشکرم و خدا شما را حفظ کند.

من دکتر دانیل کی. دارکو هستم در حال تدریس در مورد انجیل لوقا. این جلسه ۱۵، پیروی از عیسی، وظایف و امتیازات، لوقا ۹:۵۱-۱۰:۲۴ است.